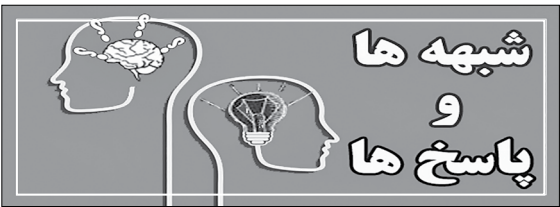


## کیمشان



## زنده بودن یا مرگ حضرت عیسی (ع)

شبهه: «**و ما قتلوه یقیناً بل رفعه الله الیه؛ و قطعاً او را نکشتند؛ بلکه خدا او را به سوی خود، بالا برد. قسمت دوم (بل رفعه الله الیه) چطور معنا می‌شود؟ از طرفی ما معتقدیم حضرت عیسی زنده است ولی قرآن در آیه ۵۵ آل عمران و در ۱۱۷ مائده می‌گوید (متوفیک) و (توفیتی).** اینها چگونه با زنده بودن حضرت عیسی سازگار است؟

پاسخ: یکی از موضوعات مورد اختلاف میان قرآن کریم و کتاب مقدس، داستان کشته شدن و به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی مسیح(ع) است. انجیل چهارگانه کنونی همگی مسئله به دار آویخته شدن مسیح(ع) و کشته شدن او را ذکر کرده‌اند.<sup>(۱)</sup> و اعتقاد عمومی مسیحیان امروز نیز بر این مسئله استوار است، بلکه به یک معنی مسئله قتل و صلیوب شدن مسیح، یکی از مهم‌ترین مسائل زیربنایی آئین مسیحیت کنونی را تشکیل می‌دهد؛ اما قرآن کریم این دیدگاه را قاطعانه رد می‌کند و در این‌باره می‌فرماید: «و گفتارشان که: «ها، مسیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم!» و حالی که نه او را کشتند و نه بر دار آویختند؛ لکن امر بر آنها مشتبه شد. و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می‌کنند؛ و قطعاً او را نکشتند»<sup>(۲)</sup>

**معای عبارت: خدا او را به سوی خود، بالا برد**

معنای عبارت: «**بل رفعَهُ الله إِلَیْهِ**» چنین است که آنها و (عیسی) را نکشته و به دار نزنند، بلکه خداوند او را به‌سوی خود بالا برد.<sup>(۱)</sup> این آیه شریفه به حسب سیاق، ادعای یهود مبنی بر اینکه او (عیسی) را کشتند و یا به دار زندن را نفی می‌کند؛ و ظاهراً دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی همان شخصی را که یهود دعوی کشتن و به دار زدن را دارند، با همان بدن جسمانی‌اش به سوی خود بالا برده و از کید دشمن حفظ کرده‌است. پس معلوم می‌شود عیسی(ع) را با بدن و روحش به آسمان بالا برده، نه اینکه مانند سایر انسان‌ها روحش از کلیبدش جدا شده و به آسمان بالا رفته باشد؛ چون این احتمال چیزی است که با ظاهر آیه یا در نظر گرفتن سیاق آن نمی‌سازد. به عبارت ساده‌تر بالا رفتن روح بعد از مردن هم در قتل هست و هم در آویخته شدن به دار و هم در مردن عادی، چون هرکسی که بمیرد روحش به عالم ارواح بالا می‌رود دیگر معنا ندارد بفرماید: (بلکه ما او را به سوی خود بالا بردیم)؛ کلمه «بلکه» به ما می‌فهماند بالا بردن عیسی با روح و جسمش بوده. پس این بالا بردن، خود نوعی رهایی بوده که خدای (عزوجل) عیسی(ع) را به آن وسیله خلاص کرده و او را از دست پیرویان نجات داد.<sup>(۲)</sup>

**دیدگاه قرآن در مورد زنده بودن حضرت عیسی**
قرآن کریم در آیه ۵۵ سوره آل عمران و آیه ۱۱۷ سوره مائده از واژه «توفی» برای حضرت عیسی استفاده کرده است.

**فروق «توفی» و «موت»**

برای فهم درست این آیات باید تا معنای «توفی» و استعمالات آن در قرآن کریم بیشتر دقت کرد. «توفی» به معنای گرفتن چیزی به طور تام و کامل است.<sup>(۱)</sup> و به همین جهت در «موت» استعمال می‌شود، چون خدای تعالی در هنگام مرگ آدمی، جان او را از بدنش می‌گیرد. قرآن در این‌باره تعبیراتی دارد، ازجمله اینکه در مورد کسانی که موعد مرگشان فرارسیده فرموده: «توفته رسلنا»<sup>(۲)</sup> فرستادگان ما جانش را می‌ستانند؛ و نیز فرموده: «قُلْ يَتُوفَّكُم مَّلَکُ الْمَوْتِ الَّذِی وُکِّلَ بِکُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّکُمْ تُرْجَعُونَ»<sup>(۳)</sup>؛ بگو: فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است (روح) شما را می‌گیرد، سپس به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شود؛ و نیز فرموده: «اللّٰهُ یَتُوفِی الْاَنْفُسَ حِینَ مَوْتِهَا وَاَلَّتِیْ لَمْ تُمِتْ فِیْ مَنَاصِیْهِ فِیمَسْکِ الْاِْتِیْ قَضٰی عَلَیْهَا الْمَوْتُ وَ تُرْسِلُ الْاٰخِرٰی اِلٰی اَجَلٍ مُّسَمًّی...»<sup>(۴)</sup>؛ خداست که جان‌ها را در دم مرگ می‌گیرد و آنها هم تا نمرده‌اند در خواب نگه می‌دارد و آن دیگری را به بدنش برمی‌گرداند تا مدتی معین... دقت در دو آیه اخیر این نکته را نتیجه می‌دهد که کلمه توفی در قرآن به معنای مرگ نیامده، بلکه اگر در مورد مرگ استعمال شده تنها به عنایت «گرفتن» و «حفظ کردن» بوده.

به عبارت دیگر کلمه «توفی» را در آن لحظه‌ای که خدای تعالی جان را می‌گیرد، استعمال کرده تا بفهماند جان انسان‌ها با مردن، باطل و فانی نمی‌شود و اینها که همان کرده‌اند مردن، نابود شدن، است جاehl به حقیقت امرند، بلکه خدای تعالی جان‌ها را می‌گیرد و حفظ می‌کند تا در روز بازگشت خلاق به‌سوی خودش دوباره به بدن‌ها برگردانند و اما در مواردی که این عنایت منظور نیست و تنها سخن از مرگ است، قرآن در آنجا لفظ «موت» را می‌آورد نه لفظ «توفی».
از مثال می‌فرماید: «وَا مَحْمَدٌ اِلَّا رَسُوْلٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِہِ الرُّسُلُ اَفَنْ مَاتَ اَوْ قُتِلَ اَلِیْقِنٰنُ عَلٰی اَعْظَاقِکُمْ...»<sup>(۱)</sup>؛ و محمد (صلی‌الله علیه و آله) نیست، مگر پیغمبری از طرف خدا که پیش از او نیز پیغمبرانی بودند و از این جهان درگذشتند، اگر او نیز به مرگ یا شهادت درگذشت باز شما به دین جاهلیت خود رجوع خواهید کرد؟ و یا می‌فرماید: «وَالَّذِیْنَ کَفَرُوْا لَہُمْ اٰزٰبٌ جَہَنَّمَ لَا یُغْنٰی عَنْہُمْ فِیْمَوْتُوْا وَلَا یُخَفِّفُ عَنْہُمْ مِنْ عَذَابِہَا...»<sup>(۲)</sup>؛ کسانی که کافرنند برای آنان آتش جهنم است نه مرگشان دهند تا بمیرند و نه عذاب جهنم را از آنها سبک کنند. و آیات بسیاری دیگر از این قبیل، حتی آیاتی که درباره مردن خود عیسی(ع) وارد شده کلمه موت را به کار برده، مانند آیه: «وَاَلَسَلَامٌ عَلٰی یَوْمٍ وُلِدْتُ وَ یَوْمٍ اُمُوْتُ وَ یَوْمٍ اُبْعَثُ حَیًّا»<sup>(۳)</sup> و سلام بر من روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم؛ و آیه: «وَ اِنْ مِنْ اَہْلِ الْکِتَابِ اِلَّا لَیُؤْمِنُنَّ بِ قَبْلِ مَوْتِہِ...»<sup>(۴)</sup> هیچ فردی از اهل کتاب نیست، مگر آنکه قبل از مرگش به طور حتم به عیسی ایمان می‌آورد، پس کلمه «توفی» از این جهت صراحتی در مردن ندارد.

**معنی توفی حضرت عیسی**

و اما در مورد حضرت عیسی(ع) قرآن کریم از یک‌سو اکیداً ادعای کسانی که معتقدند حضرت کشته شده است را رد می‌کند و از سوی دیگر آنکه از ظاهر آیه «وَ اِنْ مِنْ اَہْلِ الْکِتَابِ اِلَّا لَیُؤْمِنُنَّ بِ قَبْلِ مَوْتِہِ...» به دست می‌آید این است که حضرت عیسی(ع) نزد خدا زنده است و نخواهد مرد تا آنکه همه اهل کتاب به وی ایمان بیاورند. بنابراین توفی آن جناب به معنای گرفتن ایشان از دست یهود است و نه مردن.<sup>(۱)</sup>

۹- تفسیر نمونه آیت‌الله مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ص ۱۹۸.

پی‌نوشت‌ها:

۱- کتاب مقدس، ترجمه هزاره، نون انجیل مرقس، باب ۱۴ و ۱۵، انجیل متی، باب ۲۶ و ۲۷، انجیل لوقا، باب ۲۲ و ۲۳، انجیل یوحنا، باب ۱۸ و ۱۹.

۲- نساء، آیه ۵۷.

۳- طبرسی، فضل بن حسن، معجم‌البیان، رسولی، هاشم و بزدی طباطبایی، فضل‌الله، بیروت دارالمعرفه، ۱۴۰۸ ه‍. ش، ج ۳، ص ۲۱۰.

۴- طباطبایی، محمدحسین،المیزان، ترجمه موسوی همدانی، سید محمدباقر، قم، انتشارات جامعه مدرّسین، ۱۳۷۸ ه‍. ش، ج ۵، ص ۲۱۸.

۵- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق، ج ۵، ص ۴۰۰.

۶- انعام، آیه ۹۱.

۷- سجده، آیه ۱۱.

۸- زمر، آیه ۲۴.

۹- آل عمران، آیه ۱۴۴.

۱۰- فاطر، آیه ۳۹.

۱۱- مریم، آیه ۳۳.

۱۲- نساء، آیه ۱۵۹.

۱۳- رک، طباطبایی، محمدحسین،المیزان، ترجمه موسوی همدانی، سید محمدباقر، انتشارات جامعه مدرّسین، ج ۳، ص ۳۲۲ الی ۳۷۵.

توسل به اهل بیت(ع)
توسلاً برای آنها مخصوصاً امام حسین(ع)، یا شادی در شادی ایشان از مواردی است که سفارش‌های زیادی در منابع دینی شده است. چه‌بسا این تأکیدات موجب شبهات و حملات زبانی در این ایام نسبت به گریه و عزاداری می‌شود. در حالی که شادبودن در شادی آنها و غمگین‌بودن در غم آنها انسان را به آنها نزدیک و شبیه آنها می‌کند و به سعادت و تکامل نزدیک می‌سازد.

**نکاتی درباره شادی و عزاداری در آموزه‌های دینی**
**موافقت اسلام با شادی**
قرآن در این ارتباط می‌فرماید: «ای پیامبر! به مومنان بگو که به دلیل قرار گرفتن در دایره فضل و رحمت پروردگار شاد باشند و چنین توفیقی از هر آنچه تاکنون به دست آورده‌اند بهتر است.»<sup>(۱)</sup> شادی‌های حلال بسیاری وجود دارند که اسلام نه‌تنها با آنها به مبارزه برخاسته، بلکه در بسیاری موارد، آنها را مورد تأیید نیز قرار داده است. روایتی از امام صادق(ع) بر این نکته تأکید دارد که شادی‌های حلال دنیایی می‌تواند کمکی برای رسیدن به شادی‌های معنوی باشد. ایشان به نقل از اندرزهای حکیمانه آل‌داود می‌فرماید: «یک مسلمان اندیشمند سزاوار است که در حال انجام یکی از این سه کار مشاهده شود: یا در حال فعالیت اقتصادی و تأمین معاش باشد، یا برای آخرت خویش توشه بردارد و یا به شادی‌هایی که حرام نیستند بپردازد و نیز هر مسلمان سزاوار است که بخشی از فرصت‌های خود را با پروردگار خویش خلوت کند و بخشی دیگر را با دوستانی بگذراند که او را به یاد آخرتش بیندازند و باقیمانده فرصت خویش را نیز به شادی‌های حلال بپردازد»<sup>(۲)</sup>

**یکی از مهم‌ترین لوازم دوستی، همدردی و همدلی با دوستان در مواقع سوگ یا شادی آنان است؛ از این‌رو در احادیث، بر برپایی جشن‌ن و سرور در ایام شادی اهل‌بیت(ع) و ابراز حزن و اندوه در مواقع سوگ آنان، تأکید فراوان شده است.**

که این شادی‌ها کمکی برای او در انجام دو فعالیت قبلی خواهند بود.<sup>(۱)</sup>
**شادی‌های غیرمجاز**
باید دانست تنها شادی‌هایی از دیدگاه اسلام غیرمجازند که آثار سوء، فردی و اجتماعی را به دنبال داشته باشند. شادی‌های برگرفته از انواع ارتباطات جنسی نابودکننده بنیاد خانواده و اجتماع، شادی‌های ناشی از فقدان بخش‌هایی از سیستم هوشیاری بدن به دلیل مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر، شادی ناشی از اذیت و آزار دیگران در روابط اجتماعی (رانندگی نامناسب، تجاوز به حریم خصوصی دیگران، تخریب اموال عمومی و...)، شادی ناشی از اسراف و تبذیر و استفاده نادرست از نعمت‌های خدادادی، شادی ناشی از تکبر و فخرفرورشی به دیگران از بابت ثروت یا مقام اجتماعی، شادی فرار از جهاد و شادی منافقانه ناشی از شکست ظاهری افراد باایمان و... ازجمله مواردی هستند که مورد تأیید اسلام نبوده و بسیاری از آنها از سوی دیگر جوامع بشری نیز امری ناپسند به‌شمار می‌آیند؛ بنابراین اسلام به صورت کلی موافق شادی و نشاط‌های غیرفسادزا است.

**آثار گریه بر امام حسین(ع)**

در روایات، بخشش گناهان یا بهشتی شدن، یکی از آثار گریه بر امام حسین(ع) و همراهی با اهل‌بیت شمرده شده است. امام (رضاع) فرمود: «هرکسی مصیبت ما را یاد کند و برای ظلم‌هایی که به ما شده گریه کند، در روز قیامت با ما و در درجه ما خواهد بود.»<sup>(۱)</sup> امام باقر(ع) می‌فرماید: «هر مؤمنی که برای گذراندن سختی حسین اشک بریزد تا بر گونه‌اش جاری شود، خداوند او را در غرفه‌های بهشتی جای می‌دهد که مدتی طولانی در آن‌ها ساکن باشند.»<sup>(۲)</sup> امام صادق(ع) فرمود: «هرکس که نزد او از حسین(ع) یاد شود و به

##### معناشناسی زوجیت

مفهوم زوجیت (مقابل فردیت) به معنای زوج و جفت بودن است<sup>(۱)</sup>؛ به هر دو قرین از مذکر و مؤنث در حیوانات که ازدواج کرده باشند، زوج گفته می‌شود.

همچنین به هر دو قرین در غیرحیوانات و اشیاء مثل یک جفت کفش و دو لنگه درب نیز زوج اطلاق می‌شود و به هر چیزی که برای او مثل یا ضدی باشد.

و به بیان کلی، هر موجود ممکن، مرکب بوده و هر مرکبی زوج است<sup>(۲)</sup>.

به این ترتیب برای هر موجودی در جهان، زوجی متصور است<sup>(۳)</sup>

بنابراین، برای مفهوم «زوج» مصادیق متعددی وجود دارد:

– هر دو چیزی که مشابه و قرینه یکدیگر باشند (مثل نر و ماده).

– هر دو چیزی که مقارن یکدیگر باشند (مثل یک جفت جوراب، کفش و...)،

– هر دو چیزی که متضاد باشند (مثل قطب‌های مثبت و منفی، جاذبه و دافعه، شب و روز، نور و ظلمت، دنیا و آخرت، بهشت و جهنم، عقل و جهل، سبک و سنگین، گرمی و سردی، مادی و غیرمادی، قبل و بعد و...)،

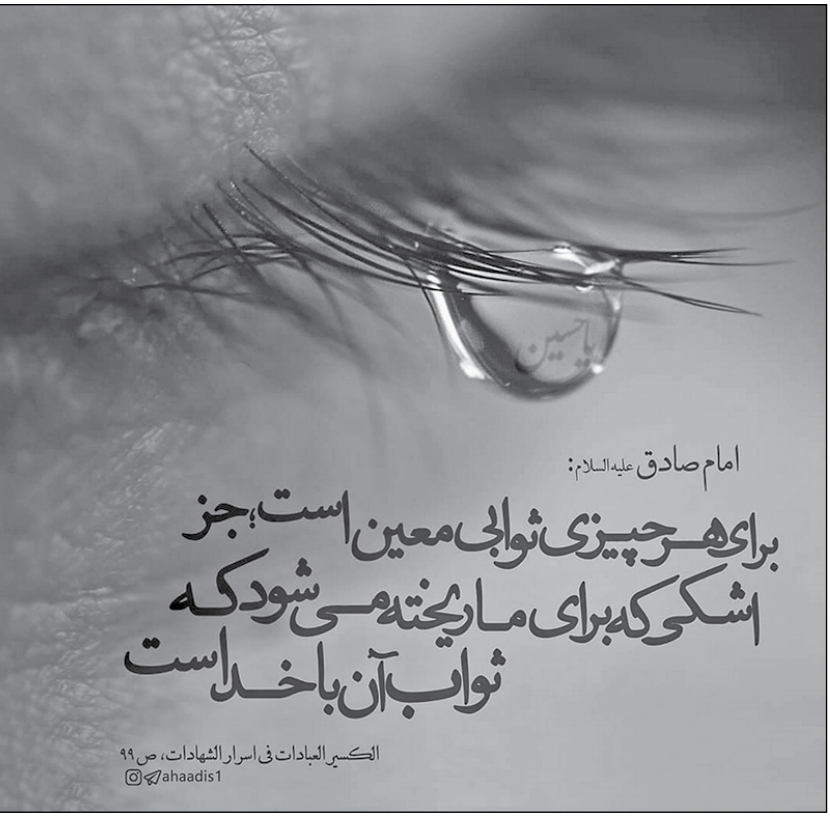
بر این اساس، تنها خداوند تبارک‌وتعالی است که این در حالی است که همه موجودات به غیر از خدا، به نوعی مرکب بوده و از زوج برخوردارند<sup>(۴)</sup>

چنان‌که فردوسی نیز گوید:

جهان را افزایش ز جفت آفرید
که افزونی از یک نیاید پدید
یکی نیست جز داور کردگار
که او را نه انباز و نه جفت و یار
هر آنچه آفریدست جفت آفرید
گشاده ز راز نهفت آفرید<sup>(۵)</sup>

## معارفMaarefKayhan@Kayhan.ir

# شادی و عزاداری برای اهل بیت(ع)



شاهد این شیوه را در زندگی امام زین‌العابدین(ع) می‌توان دید. آن حضرت بیست سال در حال ماتم و گریه بود و این حزن و گریه امام، تأثیر فراوانی در پیداری مردم داشت؛ چرا که زبان رفتار از عظمت قیام عاشورا و شدت ظلمی که بر اهل‌بیت پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) رفته بود حکایت می‌کرد و از تبلیغات دروغین نیز پرده برمی‌داشت.

در این‌جا شبایسته است به سخنی از شهید مطهری(ره) اشاره کنیم. ایشان درباره فلسفه گریه بر شهید چنین می‌نویسد: «شهادت از نظر اسلام از جنبه فردی یعنی برای شخص شهید یک موفقیت است؛ بلکه بزرگ‌ترین موفقیت و آرزوست. امام حسین فرمود: جدم به من فرمود که تو درجه‌ای

**گریه و عزاداری برای امام حسین(ع)**

**رمز ماندگاری نهضت کربلا**

گریه و توصیه به عزاداری و اندوه در حزن اهل‌بیت(ع) می‌تواند دلیل سیاسی داشته باشد. امام خمینی(ره) می‌فرماید: «زنده نگه داشتن عاشورا یک مسئله بسیار مهم سیاسی – عبادی است. عزاداری کردن برای شهیدی که همه چیز را در راه اسلام داده، یک مسئله سیاسی است، یک مسئله‌ای است که در پیشبرد انقلاب اثر بسزا دارد. ما از این اجتماعات استفاده می‌کنیم، ما از آن استفاده می‌کنیم، ملت ما از آن استفاده کرده، آن استفاده کرده، برای حفظ بکنیم، باید به این مظاهر، شعائر و اموری که در اسلام به آن سفارش شده فکر کنید که این‌ها یک مسئله سطحی نبوده است که می‌خواستند جمع بشوند و گریه کنند، خیر، ما ملت گریه سیاسی هستیم، ما ملتی هستیم که با همین اشک‌ها سیل جریان می‌دهیم و سبب می‌شویم که در مقابل اسلام ایستاده است خرد می‌دانیم.»<sup>(۱)</sup> از اِیـن منظر گریه، زبان گویای فردی است که مورد تجاوز و ستم قرار گرفته باشد. در زمانی که با جباران به وسیله نیروی نظامی نمی‌توان مقابله کرد و حتی نمی‌گذارند سخنی گفته شود؛ تنها سلاح، گریه است که نفرت و خشم را نشان می‌دهد و با این گریه است که اظهار تنفر و بی‌زاری از ستم و ستمگری آشکار می‌شود. این گریه‌ای است که مردم را نسبت به ستمگران بیدار می‌کند،

## مفهوم زوجیت در قرآن

**کاربرد زوجیت در قرآن**

مفهوم زوجیت در قرآن کریم، مختص انسان‌ها<sup>(۱)</sup>، حیوانات<sup>(۲)</sup> و گیاهان<sup>(۳)</sup> نیست، بلکه براساس آیه شریفه: «و از هر چیزی دو جفت آفریدیم، امید که شما عبرت بگیرید»<sup>(۴)</sup>

می‌توان گفت که همه اشیاء متصف به وصف زوجیت بوده و حتی هر کدام، از زوج متناسب خود برخوردار هستند.

**زوجیت و جنسیت**

زوجیت الزاماً به معنای جنسیت نبوده و زوج، معنای نر و ماده نیست؛ بلکه زوج به معنای جفت است.

هر چیزی که جفت دیگری واقع شود، بدان زوج گفته می‌شود، واژه زوج در حیوانات

**امروزه با پیشرفت علوم بشر نه‌تنها به زوجیت در گیاهان پی برده است، بلکه زوجیت در همه‌چیز را به اثبات رسانده است. دانشمندان امروزه حتی به زوجیت در اتم‌ها و ترکیب آنها از اجزاء مثبت (الکترون) و منفی (نوترون) اشاره دارند.**

زیرا بشر از قدیم بسر زوجیت برخی گیاهان همچون نخل باور داشته است، امّا نظریه زوجیت عمومی را کارل لینه گیاه‌شناس معروف سوئدی، در سال ۱۷۳۱ میلادی ابراز کرد.<sup>(۱)</sup>

بنابراین، بیان زوجیت عمومی موجودات که از مصادیق زوجیت هستند در بسیاری از آیات قرآن کریم «زوج» به همین معنا به کار رفته است، اما عمومیت ندارد؛ به عنوان مثال، آنجا که منظور زوجیت جنسی انسان است، تصریح می‌فرماید که از آن نوع نر و ماده هستند که هر دو از نطفه‌ای که به زخم زکری می‌شود پدید می‌آیند: «وَاتَّخَذَ الْوَحْیَنُ الذَّکْرَ وَالْاُنْثٰی مِنْ نُّطْفَہِ اِذَا نَفْسٌ»<sup>(۲)</sup>؛ و هم اوست که دو نوع می‌آفریند؛ نر و ماده، از نطفه‌ای چون فرو ریخته شود.

**بایست دانست تنها شادی‌هایی از دیدگاه اسلام غیرمجازند که آثار سوء فردی و اجتماعی را به دنبال داشته باشند.**

سخت توصیه کرده‌اند و حکیمانه‌ترین دستورها را داده‌اند. این گریه‌هاست که نهضت امام حسین(ع) را در اعماق جان مردم فرو می‌کند. روشن است که اگر مانند مسیحیان جشن می‌گرفتند نهضت امام حسین به انحراف کشیده می‌شد. شاید بدین‌جهت بزرگان دین دستور عزاداری و گریه داده‌اند.<sup>(۱)</sup>
**حفظ آرمان‌ها و پیاده کردن اهداف اهل بیت(ع)**
گریه بر اهل‌بیت(ع) در واقع با یک واسطه زمینه را برای حفظ آرمان‌های آنان و پیاده کردن اهدافشان فراهم می‌کند. کسی نمی‌تواند منکر این حقیقت شود که نسل جدید در سنین کودکی، در مجالس عزاداری با فرهنگ اهل‌بیت آشنا می‌شوند. براستی عزاداری و مجالس تریزه، یکی از عناصر و عوامل برجسته‌ای است تا آموزه‌های نظری و عملی امامان راستین، به نسل‌های آینده منتقل شود. مراسم عزاداری و گریه، به دلیل قالب و محتوا، بهترین راه برای تعلیم و تربیت نسل جدید و آشنایی آنان با گذتار و کردار اهل‌بیت است.

**محبت، همدردی، معرفت‌افزایی و الگوبرداری**
علاوه بر مطالب برای غم و اندوه در غم اهل‌بیت(ع) و گریه بر آنها نکاتی وجود دارد که می‌توان در امور ذیل، آنها را خلاصه کرد: قرآن و روایات، دوستی خاندان رسول اکرم و اهل‌بیت را به مسلمانان واجب کرده است<sup>(۱)</sup> روشن است که دوستی لوازمی دارد و محبّ صادق کسی است که شرط دوستی را– چنان‌که باید و شاید– به جا آورد. یکی از مهم‌ترین لوازم دوستی، همدردی و همدلی با دوستان در مواقع سوگ یا شادی آنان است.<sup>(۲)</sup> از این‌رو در احادیث، بر برپایی جشن و سرور در ایام شادی اهل‌بیت(ع) و ابراز حزن و غم بر شهید چنین می‌نویسد: «شهادت از نظر اسلام از جنبه فردی یعنی برای شخص شهید یک موفقیت است؛ بلکه بزرگ‌ترین موفقیت و آرزوست. امام حسین فرمود: جدم به من فرمود که تو درجه‌ای

**روایتی از امام صادق(ع) بر این نکته تأکید دارد که شادی‌های حلال دنیایی می‌تواند کمکی برای رسیدن به شادی‌های معنوی باشد. ایشان به نقل از اندرزهای حکیمانه آل‌داود می‌فرماید:**

**«یک مسلمان اندیشمند سزاوار است که در حال انجام یکی از این سه کار مشاهده شود: یا در حال فعالیت اقتصادی و تأمین معاش باشد، یا برای آخرت خویش توشه بردارد و یا به شادی‌هایی که حرام نیستند بپردازد.**

شعور و شور، شناخت و عاطفه را درهم می‌آمیزد و در پرتو آن، انگیزه‌ای قوی در او پدید می‌آید او یک ارتقا‌ست، عالی‌ترین حد تکامل است. اگر مرگ به صورت شهادت باشد واقعاً یک موفقیت است، برای شهید جشن و شادمانی دارد؛ امّا ازنظر اسلام آن طرف سکه را هم باید خواند. شهادت را از نظر اجتماعی یعنی از آن نظر که به جامعه تعلّق دارد نیز باید سنجید، عکس‌العملی که جامعه در مورد شهید نشان می‌دهد صرفاً به خود شهید تعلّق ندارد یعنی صرفاً ناظر به این جهت نیست که برای شخصی شهید موفقیت یا شکستی رخ داده است. مردم معمولاً درباره گریه اشتباه می‌کنند، خیال می‌کنند گریه همیشه معلول نوعی درد و ناراحتی است و خود گریه امری نامطلوب است. راز بقای امام حسین(ع) این است که نهضتش از طرفی منطقی است و از ناحیه منطق حمایت می‌شود و از طرف دیگر در عمق احساسات و عواطف راه یافته است. اثمه اظهار به گریه بر امام حسین،

۱. یوشی، ۵۱.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، دار الکتب الإِسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ه‍. ش، ج ۵، ص ۸۷، ج ۱.
۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت– لبنان، ۱۴۰۴ هجری قمری، ج ۴۴، ص ۲۷۸
۴. همان، ص ۲۸۵
۵. همان ص ۲۸۸
۶. امام خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، تهران، مرکز نشر آثار حضرت امام، چاپ ۱، ج ۱۲، ص ۱۵۴.
۷. زغب‌المطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی(عج)، تهران، نشر صدرا، چاپ هفتم، ص ۱۲۱.
۸. شعری، آ، ج ۲۲، هود، آیه ۲۹.
۹. محمدی محمدی رشپری، المحبه فی‌الکتاب والسنة، قم، دارالحديثی، تا صص ۱۷۰- ۱۶۹ و ۱۸۱- ۲۸۱

**محمد‌الله خالصی**

پی‌نوشت‌ها:

۱. ابن‌ربیع، محمد بن حسن، جمهره الفقه، بیروت، چاپ رمزی منیر بعلبکی، ۱۹۸۷ م، ج ۲، ص ۲۳.

۲. زمخشری، محمود بن عمر، الفائق فی غریب الحدیث، بیروت، اول، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۱۳۴ و نیز: رابع اصفهانی، حسن بن محمد، مفرات الفاظ القرآن، بیروت- دمشق، اول، ص ۲۸۴.

۳. نیشابوری، نظام‌الدین، حسن بن محمد، غرائب القرآن و رغائب الصغیان، حسن بن محمد، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق، ج ۶، ص ۱۹۰.

۴. شیرازی، عبدالریدن محمد بن ابراهیم، شرح اصول الکافی، تهران، اول صدر، ۱۳۲۸ ش، ج ۳، ص ۳۹.

۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، اول، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۸، ص ۳۷۷.

۶. نیشابوری، همان، ج ۶، ص ۱۹۰.

۷. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، (براساس چاپ سکو) به کوشش: سعید حمیدیان، تهران، قطره، اول، ۱۳۷۴ ش.

۸. اعراف، آیه ۱۸۹.

۹. لقمان، آیه ۱۰.

۱۰. پس، آیه ۲۶، شعراء، آیه ۱۷، حج، آیه ۵۵، رعد، آیه ۳.

۱۱. ذاریات، آیه ۵۱

۱۲. رابع، همان، ص ۲۸۴؛ مکارم شیرازی، همان، ۱۸۹، صص ۳۷۸- ۳۸۸.

۱۳. نجم، آیات ۴۵ و ۴۶.

۱۴. مکارم شیرازی، همان، ج ۱۸، ص ۲۷۸ و قرآنی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش، ج ۹، ص ۵۴۰.

۱۵. قرشی بن‌ابی، سید علی‌اکبر، تفسیر احسن‌الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش، ج ۱۰، ص ۲۵۴ و مکارم شیرازی، همان، ج ۱۸، ص ۳۷۸.

۱۶. مکارم شیرازی، همان.

۱۷. موه، ج ۲۲، ص ۳۲۶.

۱۸. شریعتی، محمدتقی، تفسیر نوین، تهران، شرکت سهامی انتشار شریعتی، ۱۳۴۶ ش، ج ۱۱.

۱۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی، اعجاز علمی قرآن، دارالعلومارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب قم، سوم، ۱۳۸۵ ش، ج ۳، ص ۶۰۳.

۲۰. فردوسی، ۲۰۰؛ شعراء، آیه ۲۶، شعراء، آیه ۱۷، حج، آیه ۵۵، رعد، آیه ۵۰.

۲۱. رک، رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات کتاب مهین، اول، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۵.

**حسن بشارتی راد**

صفحه ۷
یکشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۴
۱۷ محرم ۱۴۴۷ – شماره ۳۹۰۳



۱- غررالامام، ح ۸۷۴۰



### راهبرد تغافل در تعاملات اجتماعی

روزی شخصی به علی(ع) دشنام داد. حضرت خود را به تغافل زد و از او گذشت و با خود چنین گفت: به گوش خود شنیدم کسی را که به من دشنام می‌داد، من به روی خود نیاوردم و با خود گفتم: لابد به علی دیگری بد می‌گفته‌است، و این نحوه برخورد به روش اخلاقی قرآنی است که در آیه: «و اذا خطبتم الجاهلون قالوا سلاما» (فرقان- ۶۳) آمده است.<sup>(۱)</sup>

۱- هزارویک داستان از زندگانی حضرت علی(ع)، ص ۶۲۲



### ضرورت‌ها و الزامات زندگی اجتماعی (۲)

پرسش:

**از منظر آموزه‌های وحیانی اسلام، زندگی اجتماعی انسان‌ها چه ضرورت‌ها و الزاماتی را اقتضا می‌کند، که در پرتو عمل به آنها جامعه مطلوب دینی شکل خواهد گرفت؟**

در بخش نخست پاسخ به این سوال به مباحثی همچون: ضرورت زندگی اجتماعی، و مهم‌ترین ضرورت‌ها و الزامات زندگی اجتماعی شامل ۱۸ مورد آن به نحو اجمال پرداختیم، اشاره کردیم اینک در ادامه دنیا‌به مطلب را پی می‌گیریم:

#### ۱۹- انذار از فرجام ناگوار

«و مردم را از روزی که عذاب بر آنان می‌آید بترسان» (ابراهیم- ۴۴)

#### ۲۰- تشریح حکومت اسلامی